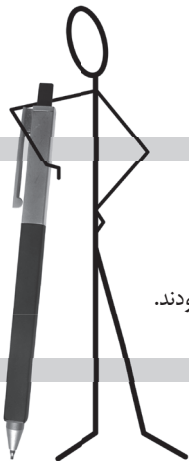


روی میز تحریریه



دیدار

۳۳

ش ۱۲۰

۱. این یک پوزش رسمی است!

در شماره قبلی یک نقص فنی پیش آمد و لینک پشتیبان چند عکس جا افتاد! این شد که عکس‌های صفحات ۱۲، ۳۷، ۳۸ و ۴۹ از کیفیت لازم برخوردار نبودند. اشتباه لپی بوده دیگر!

۲. این رشته سر دراز دارد!

حقیقتش این است که دیدیم موضوع این شماره یک مقداری با حالتی بسیار دوستانه، دارد «پا» می‌دهد... ما هم که کلاً اهل سوءاستفاده!! به همین دلیل موضوع پرونده «موسیقی» را برای شماره آینده هم دنبال خواهیم کرد.

۳. عوارض سن و سال است!

به قول شاعر؛ هوش و حواس برای آدم می‌ماند؟! نه وَاَلَا! قرار بود «کانون خوانندگان دیدار آشنا» را سر و سامان بدهیم... اما منظورمان هوش و حواس خودمان نبود!... منظور هوش و حواس خودتان بود که قرار بود برای ریاست این کانون کاندید شوید. چند نفری داوطلب داشتیم، اما به حد نصاب نرسیدند... لطفاً اصرار نکنید! چون کنسل شد.

۴. کارگران مشغول کارند!

ای وای اشتباه شد... منظور این بود که خواستیم عرض کنیم هرازگاهی حواس مان نیست و ناپرهیزی می‌کنیم و خودمان را چهار چنگولی می‌اندازیم داخل مهلکه جلسه و این ادا ادوارها! نتیجه جلسه هم چیزی نبود، جز دردسر جدید! صفحات جدیدی در راه است! اولین نمونه‌اش هم در رویدادهای آشنای شماره بعد خواهید دید.

۵. ای آلزایمر لعنتی!

نگفتیم حواس پرتی داریم؟ اگر این آلزایمر (آلزایمر فرضی) اجازه بدهد، می‌خواستیم تشکر کنیم از... ای بابا! باز هم که یادمان رفت. اصلاً هیچی... فراموشش کنید!

۶. و با تشکر از...

دیدید یادمان افتاد! برای این شماره دوستانی بودند که زحمت هماهنگی‌های اولیه با بعضی چهره‌های عالم موسیقی را متحمل شدند. فلذا! با تشکر از جناب آقای جعفری، آقای جلیلی، آقای خادم... و با عرض «خیلی چاکریم!» خدمت خانواده‌های محترم رجبی، مردم با صفای محله خودمان، پاروزن تیم قایقرانی برادران آدامس‌سازی و ماهی‌های محترم و شریف دریای خزر!! دست‌تان درد نکند!

